

دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۳، صفحات ۸۲-۵۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۱/۱۷

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۱۱/۱۵

کیفیت نهادی و رشد اقتصادی؛ دموکراسی یا حاکمیت قانون؟ (مطالعه موردی گروه کشورهای اسلامی، ۲۰۱۱-۲۰۰۲)

احمد اسدزاده^۱

زهرا جلیلی^۲

چکیده

در سال‌های اخیر عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی از عوامل مطرح شده در نظریه‌های رشد مرسوم فراتر رفته و عوامل نهادی نیز مورد توجه محققان قرار گرفته‌اند. در همین راستا، هدف اصلی این مقاله نیز آزمون عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی با توجه به عوامل نهادی در کنار عوامل مرسوم، برای ۵۳ کشور اسلامی در طی دوره ۲۰۱۱-۲۰۰۲ است. بررسی موضوع با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته داده‌های تابلویی بوده و عوامل نهادی نیز در دو گروه شاخص‌های حاکمیت قانون (زیر شاخص‌های حاکمیت قانون، رشوه و کیفیت نظارتی) و دموکراسی (زیرشاخص‌های دموکراسی، حقوق سیاسی، آزادی‌های مدنی، استبداد و نوع رژیم سیاسی) استفاده شده‌اند. نتایج نشان می‌دهند که زیرشاخص‌های نهادی مربوط به گروه حاکمیت قانون در برآوردها به لحاظ آماری معنادارند و رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و برای شاخص دموکراسی نیز زیرشاخص‌های دموکراسی و آزادی‌های مدنی اثر معناداری بر روی رشد اقتصادی داشته‌اند. این نتیجه نشان از همگامی این دو گروه از متغیرها در اثرگذاری بر رشد اقتصادی دارد و بیان می‌کند در اصلاحات نهادی باید به این دو گروه از عوامل نگاه اصولی داشته و همراه با حرکت به سمت دموکراسی، برقراری نهادهای حاکمیت قانونی مد نظر باشد.

واژگان کلیدی: رشد اقتصادی، نهادها، حاکمیت قانون، دموکراسی و روش گشتاورهای تعمیم‌یافته داده‌های

تابلویی طبقه‌بندی JEL : O43, O48 و P48

۱- دانشیار دانشکده اقتصاد، مدیریت و بازرگانی و مدیریت دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول) Email: assadzadeh@gmail.com

۲- کارشناس ارشد علوم اقتصادی و کارشناس مطالعات اقتصادی سازمان امور اقتصادی و دارایی تبریز Email: jalili.zahra.87@gmail.com

مقدمه

دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی به دلیل تأثیر مستقیم بر رفاه اجتماعی یکی از اهداف مهم کلان اقتصادی هر کشور محسوب می‌گردد. رشد اقتصادی ظرفیت‌های تولیدی را طی زمان افزایش می‌دهد و به ایجاد فرصت‌های بیشتر و بهتر برای شکوفایی اقتصادی و ورود به عرصه‌های تازه و نو منجر می‌شود. از اواخر دهه ۱۹۸۰ نیز توجه اقتصاددانان بر مباحث بلندمدت رشد اقتصادی به‌ویژه سهم سیاست‌های دولت و نقش و کارکرد نهاد متمرکز و نظریات جدیدی مطرح شد. مباحث جدید بر نهادهایی تأکید دارند که چارچوبی را برای فعالیت‌های اقتصادی در داخل یک کشور بنا می‌کنند و با شکل دادن یک ساختار انگیزشی، می‌توانند یا فعالیت‌های مولد را در جامعه به پیش ببرند و محیطی ایجاد کنند که اجازه فعالیت اقتصادی سرمایه‌گذاری، رشد و توسعه اقتصادی را فراهم می‌آورند، یا بر سر راه فعالیت‌های اقتصادی مانع می‌شوند و به رکود و کساد اقتصادی منجر می‌گردند (بوتکیوکز و یانیکایا، ۲۰۰۶). در این نظریات علت بسیار مهم تفاوت در نرخ‌های رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری در کشورهای مختلف به دلیل اختلاف زیادی، که در ماهیت و عملکرد نهادها در بین کشورهای مختلف وجود دارد، بیان شده است.

با توجه به اهمیت موضوع در ارائه چارچوبی برای رفع مشکل توسعه‌نیافتگی کشورها و پیامدهای سیاستی این مسئله برای سیاستگذاران یک کشور و نیز بر این اساس که تنها با شناخت عوامل بنیادین است که می‌توان چارچوبی را برای ارائه توصیه‌های سیاستی طراحی نمود و به این واسطه خطر نتایج منفی ناخواسته بالقوه این سیاست‌ها را به حداقل ممکن رساند، بررسی و تحقیق در مورد تأثیر نهادها بر رشد اقتصادی از اهمیت فراوانی برخوردار است. در همین راستا در این مقاله مسئله تأثیر نهادها بر سطح رشد اقتصادی با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته داده‌های تابلویی و براساس دو ویژگی دموکراسی^۱ و حاکمیت

1- Butkiewicz & Yanikkaya

2- Democracy

قانون^۱ که هر کدام دارای شاخص‌های مربوطه و زیرشاخص‌هایی هستند، بررسی می‌شود. قابل ذکر است این دو ویژگی نهادی به صورت بالایی با همدیگر همبسته‌اند و به دلیل همبستگی بالایی شاخص‌های مورد بررسی، ارزیابی آثاز این دو ویژگی نهادی بر روی رشد اقتصادی به صورت جداگانه انجام گرفته است. نمونه مورد بررسی شامل ۵۳ کشور اسلامی، با توجه به در دسترس بودن داده‌های مورد نظر و برای دوره زمانی سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۲ است. انتخاب کشورهای اسلامی به عنوان نمونه مورد مطالعه به این دلیل بوده است که این کشورها، با داشتن جمعیتی بالغ بر یک و نیم میلیارد نفر در سطح اقتصادی جهان از اهمیت فراوانی برخوردار هستند. همچنین با توجه به در دسترس بودن داده‌های مورد بررسی در این پژوهش، بازه زمانی مذکور در نظر گرفته شده است. ادامه مباحث مقاله به این صورت است: بخش دوم مقاله به ادبیات و مبانی نظری در خصوص نهادها و رشد اقتصادی می‌پردازد؛ بخش سوم به مطالعات صورت گرفته در این زمینه اختصاص دارد. در بخش چهارم، چالش‌های اندازه‌گیری متغیرهای کیفیت نهادی، روش اقتصادسنجی، مدل مورد آزمون و نتایج حاصل از برآوردها ارائه می‌شود و بخش پایانی به نتیجه‌گیری از مباحث اختصاص دارد.

مبانی نظری

در ادبیات اقتصاد رشد هم‌چون مدل رشد نئوکینزین هارود-دومار، مدل رشد نئوکلاسیکی سولو-سوان و مدل‌های رشد درونزای رومر-لوکاس برای تبیین رشد و عوامل مؤثر بر آن نظریه‌های مختلفی شکل گرفته‌اند. بر اساس نظریه‌های مختلف رشد اقتصادی، تراکم سرمایه از جمله عوامل مهم رشد اقتصادی در بین کشورهای مختلف بوده است (مهرآرا و کیخا، ۱۳۸۷). اما این نظریه‌ها در تبیین دلایل تفاوت فراوان کشورها در رشد اقتصادی ناتوان بوده‌اند، هرچند براساس مطالعات نظری و تجربی، رشد کشورهای فقیر توان بالقوه فراوانی برای رسیدن و همگرایی با کشورهای توسعه‌یافته دارند، اما این کشورها در ایجاد

نتایج مثبت رشد ناتوان بوده‌اند (رودریک^۱، ۲۰۰۵). ناتوانی در پاسخ به تفاوت در عملکرد رشد اقتصادی کشورها و علاقه به ترتیبات نهادی به‌عنوان عوامل سیاسی مؤثر بر رشد اقتصادی، به ظهور ادبیات اقتصاد سیاسی رشد جدیدی منجر شدند. ادبیات اقتصاد سیاسی جدید بر مبنای نظریه‌های اقتصاد نهادگرایی جدید در سال‌های پایانی دهه ۱۹۸۰ شروع شد و در اواخر دهه ۱۹۹۰ پس از مشاهده نتایج برنامه‌های تعدیل ساختاری، که سرمنشأ نئوکلاسیکی داشتند، به اوج خود رسید. عوامل سیاسی نظیر، بی‌ثباتی سیاسی، کیفیت دولت، توزیع درآمد، نظام سیاسی و جز این‌ها، که پیش از این مفروض پنداشته می‌شدند، اکنون نقش اصلی را در تبیین تفاوت عملکرد اقتصادی کشورها به‌خود گرفته‌اند (عیسی‌زاده و احمدزاده، ۱۳۸۸).

به تعریف نورث^۲ (۱۹۹۰)، نهادها، قوانین بازی در جامعه‌اند و قیودی هستند که از جانب بشر برای شکل‌دهی به روابط متقابل انسان‌ها با یکدیگر وضع شده‌اند. در نتیجه، نهادها باعث ساختارمندشدن انگیزه‌های نهفته در مبادلات بشری می‌شوند، چه این مبادلات سیاسی باشند، چه اقتصادی و اجتماعی. در یک تعبیر کلی، نهادها مشتمل بر باورها، رفتارها (حوزه عقلانی یا غیرعقلانی)، سنت‌ها، ضوابط و مقررات حقوقی‌اند که پیرامون یک هسته اصلی، مجموعه هماهنگی را شکل می‌دهند. از این لحاظ نهادهای خوب و با کیفیت بالا به عنوان ایجادکننده یک ساختار انگیزشی مطرح‌اند که نااطمینانی معاملات اقتصادی را کاهش و انگیزه انجام فعالیت‌های اقتصادی بهره‌ور را افزایش می‌دهند. از این رو به بهبود عملکرد اقتصادی کمک می‌کنند و رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (برگرن و همکاران^۳، ۲۰۰۹).

نهادها با حمایت از حقوق مالکیت، تضمین اجرای قراردادها، ارتقای انگیزه‌های کارآفرینان، حفظ ثبات در سطح کلان اقتصادی، مدیریت ریسک‌پذیری و خطرجویی واسطه‌های مالی، کاهش نااطمینانی و تقلیل هزینه معاملات، آرایه شبکه‌های تأمین اجتماعی و ارتقای

1- Rodrik

2- North

3- Berggren et al.

پاسخگویی و انتقادپذیری حاکمان، مجموعه‌ای از شرایط و بسترهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را فراهم می‌کنند که در درون آن، افراد جامعه به کسب و انباشت مهارت و نگاه‌های اقتصادی به انباشت سرمایه و تولید محصول می‌پردازند. براساس دیدگاه نهادگرایی جدید، نوع حکمرانی، مقررات و نهادهای یک کشور از جمله عوامل اولیه و اصلی تعیین‌کننده انگیزه‌ها و تمایلات افراد برای سرمایه‌گذاری فیزیکی و کسب مهارت و فناوری در آن جامعه هستند که همه این عوامل به موفقیت اقتصادی در تولید بیشتر و درآمد بالاتر و رفاه اقتصادی بهتر در بلندمدت منجر می‌شوند (نورث، ۱۹۹۰).

هم‌چنین، چارچوب نهادی به دلیل این که از مقدار صرف شده روی هزینه معاملات و هزینه‌های انتقال در فرآیند تولید جدایی‌پذیر نیست، بر روی رشد اقتصادی اثر می‌گذارد. فرآیند اثرگذاری کیفیت نهادی و سازمانی بر رشد از طریق هزینه‌ها به این صورت قابل توضیح است که هزینه معاملات، وقتی که حقوق مالکیت و یا حاکمیت قانون قابل اعتماد نیستند، بسیار بالاست. در چنین وضعیتی نگاه‌های خصوصی به‌طور معمول در مقیاس‌های کوچک، فناوری‌های کم‌سرمایه‌بر و افق‌های کوتاه‌مدت عمل می‌کنند و شاید در زمینه اقتصاد زیرزمینی هم فعالیت کنند و بر رشوه و فساد نیز به‌منظور تسهیل عملیات تکیه کنند. در این حالت هزینه‌های انتقال بیش از حد افزایش می‌یابد و این افزایش می‌تواند به دلیل قراردادهای غیرقابل اجرا، استفاده از فناوری‌های ارزان، کارایی کم عملیات و افق‌های کوتاه‌مدت که رقابتی تعریف شدند، روی دهد (بوتکیوکز و یانیکایا، ۲۰۰۶). از سوی دیگر، زمانی که نهادها ضعیف تعریف می‌شوند و یا نهادهای رسمی کمی وجود دارد، فعالیت‌های اقتصادی به مبادلات میان افراد محدود می‌شود. در این حالت، تکرار فعالیت‌ها و همگنی فرهنگی، خود اقامی (اجرای فعالیت مزبور از طرف افراد درگیر در فعالیت اقتصادی) را تسهیل می‌کند. در چنین محیطی ممکن است هزینه معاملات پایین باشد، اما هزینه‌های انتقال به دلیل این که فعالیت‌های اقتصادی از نظر تخصصی در سطح خیلی پایینی هستند، بالا باشد. در این محیط نهادی ضعیف، نگاه‌ها و عوامل اقتصادی نمی‌توانند در مبادلات پیچیده،

بلندمدت و قراردادهای چندگانه با اجرای مؤثر، وارد شوند، و نظیر چیزی را که در اقتصادهای صنعتی اجرا می‌شود، به مرحله ظهور برسانند. قاعدتاً رشد اقتصادی ملاحظه شده در این اقتصادها نیز بسیار کمتر خواهد بود (آرون^۱، ۲۰۰۰). بر این اساس برای برخورد با چالش‌های توسعه، کشورها نیازمند چارچوب‌های نهادی هستند که از اقتصاد بازاری حمایت نمایند که لازمه این امر وجود دو نوع از نهادهاست: ۱- نهادهایی که با کاهش هزینه‌های معاملات و ایجاد اعتماد، مبادلات را تسهیل می‌کنند؛ ۲- نوع نهادهایی که بر دولت و دیگر بازیگران قدرتمند تأثیر می‌گذارند و از حقوق مالکیت و افراد در مقابل آنها حفاظت می‌کنند و خطر مصادره اموال و نقض قوانین را کاهش می‌دهند (شرلی^۲، ۲۰۰۸).

حال سوال اینجاست که آیا دو مورد از مهم‌ترین ویژگی‌های نهادی کشورها یعنی حاکمیت قانون و نهادهای دموکراتیک به صورت متفاوتی بر روی رشد اقتصادی اثر دارند یا نه؟ یک اتفاق نظر عمومی در ادبیات رشد، بیانگر این مطلب است که حاکمیت قانون برای رشد اقتصادی مهم است در حالی که دموکراسی بعد از کنترل دیگر عوامل تعیین‌کننده مهم مؤثر بر رشد اقتصادی، اثر قوی بر روی رشد اقتصادی دارد (بوتکیوکز و یانیکایا، ۲۰۰۶).

عملکرد نهادهای حقوقی و قضایی می‌توانند نقش مهمی در تشویق سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های مولد داشته باشند. شاخص حاکمیت قانون مقیاسی برای ارزیابی امنیت حقوق مالکیت و عملکرد نظام قضایی کشورهاست. از دید بسیاری از تحلیلگران، امنیت حقوق مالکیت و وجود یک نظام قضایی مقتدر، شرط لازم برای سرمایه‌گذاری و هرگونه فعالیت اقتصادی است (جعفری صمیمی و آذرمنند، ۱۳۸۳). حاکمیت قانون از طریق حق مالکیت و نبود رشوه^۳ و ارتشاء مشخص شده‌اند و این ویژگی‌ها می‌توانند به‌عنوان جایگزین مقیاس‌های حاکمیت قانون به‌کار روند. حاکمیت قانون در جامعه‌ای که شهروندان و حاکمان آن مطیع قانونند و به آن احترام می‌گذارند، باعث تخصیص کارآمد منابع خصوصی و عمومی به

1- Aron

2- Shirley

3- Corruption

فعالیت‌های مولد می‌شود و بدین وسیله موجب تسریع در رشد اقتصادی می‌گردد (عیسی‌زاده و احمدزاده، ۱۳۸۸). به عقیده اقتصاددانان نهادگرا، نهادهای کارا نظیر شفافیت در تصمیم‌گیری بخش عمومی و پاسخگویی و مهم‌تر از همه به‌کارگیری صحیح نهادهای رسمی هم‌چون قوانین و مقررات، مسیر رفتارهای کم‌هزینه همانند هزینه‌های ورود به کسب و کار، گفتمان، نظارت، حفاظت و حقوق مالکیت را هموار می‌کنند و اثربخشی عوامل تولید و در پی آن، بازدهی فعالیت‌های اقتصادی را افزایش می‌دهند (بازل^۱، ۲۰۰۵).

در مورد رابطه بین دموکراسی و عملکرد اقتصادی، مطالعاتی انجام شده که برخی به اثر مثبت و برخی دیگر به اثر منفی دموکراسی بر رشد اقتصادی معتقد هستند. بارو^۲ (۱۹۹۷) رابطه دموکراسی و رشد اقتصادی را به‌صورت غیرخطی به‌دست آورد و اظهار داشت که در صورت وجود شکل کاملی از دیکتاتوری در یک کشور، بهبود در حقوق سیاسی به برقراری محدودیت‌هایی بر قدرت مطلقه دیکتاتور منجر می‌شود که این خود باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شود، اما در کشورهایی که از حقوق سیاسی در سطح متوسطی برخوردارند، افزایش حقوق سیاسی به تشدید توجه مردم و مسئولان به برنامه‌های تأمین اجتماعی و اشکال مختلف توزیع مجدد درآمد منجر می‌شود و باعث تضعیف رشد اقتصادی می‌گردد. به ادعان آمارتیا سن^۳، دموکراسی‌ها زندگی افراد را از طریق اعطای حقوق سیاسی و مدنی غنا می‌بخشند و کارهای بهتری برای بهبود رفاه فقرا در مقایسه با نظام‌های مخالف آنها انجام می‌دهند (شارما^۴، ۲۰۰۷).

اثر منفی دموکراسی بر روی رشد اقتصادی عموماً تحت دو عامل بحث می‌شود: اولین بحث چنین است که دموکراسی از این طریق فشارهایی که بر مصرف‌آنی وارد می‌کند، به کاهش سرمایه‌گذاری و بنابراین کاهش وضعیت پایدار درآمد و رشد اقتصادی منجر می‌شود و

1- Barzel

2- Barro

3- Amartya Sen

4- Sharma

دومین بحث- منسوب به دموکراسی به چگونگی مقاومت دولت‌های در حال توسعه در مقابل فشار گروه‌های خاص نظیر بنگاه‌ها و واحدهای بزرگ است. هرچند ساختارهای ضروری و اصلاحات اقتصادی، رشد بلندمدت را افزایش می‌دهند، اما در کش و قوس‌های آشفته سیاست‌های دموکراتیک نمی‌توانند عهده‌دار این امر شوند (پرزورسکی و لیموگی، ۱۹۹۳). از سوی دیگر، رودریک (۲۰۰۰) بیان می‌کند که سیستم سیاسی مشارکتی و نامتمرکز کیفیت بالاتری از رشد را فراهم می‌آورد. این سیستم‌ها به دلیل پیش‌بینی‌پذیری و ثبات بالاتر، عکس‌العمل بهتری در مقابل شوک‌ها دارند و نتایج توزیعی بهتری را صورت می‌دهند.

برخی از پژوهشگران نیز به اثر غیرمستقیم دموکراسی بر رشد اقتصادی را و به واسطه کانال‌های متعدد معتقد هستند. فینگ نشان داده است که اگرچه تأثیرات مستقیم دموکراسی بر رشد اقتصادی مهم هستند اما دموکراسی یقیناً از طریق تأثیر بر ثبات سیاسی، توزیع درآمد، آموزش و انباشت سرمایه انسانی و بهداشت و نرخ مولید به‌طور غیرمستقیم بر رشد تأثیر می‌گذارد (لندمن و دل لیبیانه، ۲۰۰۸).

در یک جمع‌بندی، حاکمیت قانون و دموکراسی می‌توانند در کاهش کشمکش‌های اجتماعی و نژادی کمک کنند و کشورهایی که یکی از این دو نهاد را ندارند، در معرض کشمکش‌ها و بحران بوده‌اند و در زمینه رشد اقتصادی از عملکرد ضعیف رنج می‌برند. از این رو حضور این دو عامل برای رشد اقتصادی ضروری است (بوتکی‌وکز و یانیکایا، ۲۰۰۶).

پیشینه تحقیق

با آن‌که بحث‌های نظری در خصوص تأثیر نهادها بر عملکرد اقتصادی جوامع به‌ویژه بر

1- Przeworski & Limongi

2- Lendman & Dellepiane

فرایند رشد و توسعه آنها از دهه‌ها قبل صورت پذیرفته است، اما مباحث تجربی آن سابقه چندانی ندارد و تقریباً از اواسط دهه ۱۹۹۰ به بعد، محققان به آزمون تجربی تأثیر نهادها بر رشد اقتصادی پرداخته‌اند. از جمله اولین مطالعات تجربی در خصوص تأثیر نهادها بر عملکرد اقتصادی توسط بارو (۱۹۹۱) صورت گرفته است. وی بین دموکراسی و رشد اقتصادی رابطه غیرخطی یافت، به صورتی که در سطوح پایین دموکراسی، رشد اقتصادی دارای رشد فزاینده بوده و در سطوح بالای دموکراسی، رشد اقتصادی کاهنده بوده است. نک و کیفر^۱ (۱۹۹۵) ارتباط بین نهادها، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی را مورد مطالعه قرار دادند و به این نتیجه دست یافتند که نهادها بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی تأثیر بسیار زیادی دارند. هال و جونز^۲ (۱۹۹۹) به مطالعه این که چرا تولید سرانه در میان کشورها به‌طور چشمگیری متفاوت است، پرداختند و نتایج تحقیق نشان داد که مقدار بسیار زیادی از تفاوت در عملکرد بلندمدت اقتصادی بین کشورها به تفاوت در نهادها مربوط است. دلار و کرای^۳ (۲۰۰۰) نیز بیان می‌کنند که حاکمیت قانون، درآمدسرانه واقعی و درآمد فقرا را افزایش می‌دهد و دموکراسی بر روی درآمدسرانه واقعی و درآمد افراد فقیر اثر قوی ندارد. هر چند، تأکید خیلی از مطالعات دیگر این است که دموکراسی منافع غیرمادی علاوه بر آثار اقتصادی فراهم می‌آورد. رودریک (۲۰۰۰) مطالعه خود را در مورد کیفیت نهادها در فرایند رشد اقتصادی، با تحلیل نقش حقوق مالکیت، نهادهای مقرراتی، نهادهای تثبیت اقتصاد کلان، نهادهای تأمین اجتماعی و نهادهای مدیریت تنش پیش برد. مشاهدات وی نشان می‌داد که اگرچه در ساختار و کارایی نهادهای مذکور و رشد اقتصادی کشورها نوعی واگرایی وجود دارد، اما در مجموع، کشورهای با کیفیت بالاتر نهادی، نرخ رشد اقتصادی بالاتری را نشان می‌دهند. عاصم‌اوغلو و همکارانش^۴ (۲۰۰۱) در تحقیق خود نشان دادند که نهادها بر تولید ناخالص

1- Knack & Keefer

2- Hall & Jones

3- Dollar & Kraay

4- Acemoglu et al.

سرانه کشورها تأثیر فراوان دارند. ایسترلی و لوین^۱ (۲۰۰۳) در بررسی سه دیدگاه مهم ارائه شده در زمینه عوامل مؤثر بر توسعه اقتصادی یک کشور، یعنی تأثیر شرایط جغرافیایی و موهبت‌های طبیعی، دیدگاه نهادی و تأثیر نوع سیاست‌های اقتصادی، به این نتیجه دست یافتند که موقعیت جغرافیایی، اقلیمی و منابع طبیعی و خدادادی یک کشور، تنها از طریق تأثیر نهادهای یک کشور، به توسعه کشورها منجر می‌شود. تحقیق آسان و گرامی^۲ (۲۰۰۳) نیز اثبات کرد که نهادهای مناسب، کارآمدی اقتصادی و رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد. رودریک و همکارانش^۳ (۲۰۰۴) در مقاله‌ای به بررسی نقش نهادها، موقعیت جغرافیایی و تجارت (ادغام در تجارت جهانی) بر رشد اقتصادی پرداختند. تحقیق آنها نشان می‌دهد که کیفیت نهادی در بین این سه عامل، بیشترین تأثیر را بر رشد اقتصادی دارد. ویلیامز^۴ (۲۰۰۶) در مطالعه خود به این نتیجه می‌رسد که رابطه علی دوسویه‌ای بین کیفیت نهادی و رشد اقتصادی وجود دارد. بوتکیوکز و یانیکایا (۲۰۰۶) نیز طی مطالعه اثر کیفیت نهادی و سازمانی بر روی رشد اقتصادی با استفاده از دو جایگزین حاکمیت قانون و دموکراسی، به این نتیجه دست یافتند که هر دو عامل باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شوند و همچنین کشورهای در حال توسعه از برقراری سیستم سیاسی دموکراتیک در زمینه فعالیت‌های اقتصادی بیشتر منتفع می‌شوند. مندز و سپولودا^۵ (۲۰۰۶) بحث می‌کنند که روابط بین رشد اقتصادی و رشوه غیریکنواخت (درجه دوم) هستند و این رابطه به درج آزادی سیاسی بستگی دارد. آنها نشان دادند که در سطوح پایینی از رشوه، رشوه و فساد اثر مفیدی بر روی رشد اقتصادی بلندمدت دارند و در سطوح بالاتری از آن، اثر مضر بر روی رشد اقتصادی داشته است. آیدت و همکاران^۶ (۲۰۰۸) نیز در مطالعه خود در مورد رژیم‌های حکومتی، رشوه و رشد اقتصادی به این نتیجه می‌رسند که در رژیم‌هایی که نهادها به لحاظ سیاسی کیفیت بالاتری

1- Easterly & Levine

2- Assane & Grammy

3- Rodrik et al.

4- Williams

5- Méndez & Sepúlveda

6- Aidt et al.

دارند، رشوه و فساد اثر منفی بر روی رشد اقتصادی دارد و در رژیم‌های با کیفیت پایین نهادی، فساد و رشوه تأثیری بر روی رشد اقتصادی ندارند. دی‌وال و ابن^۱ (۲۰۱۱)، نیز در بررسی تأثیر رشوه و فساد بر روی رشد اقتصادی، به این نتیجه دست یافتند که فساد اثر منفی بر رشد اقتصادی دارد ولی این مطلب را نیز تأکید کردند که تأثیر فساد بر رشد اقتصادی بشدت به محیط نهادی آن جامعه وابسته است و در شرایطی که نهادها به خوبی توسعه نیافته باشند، فساد ممکن است به رشد اقتصادی نیز منجر شود. صبحی^۲ (۲۰۱۲)، در مطالعه خود به این نتیجه دست یافت که سرمایه‌سازمانی نقش اساسی در رشد اقتصادی دارد و همچنین بخش عمومی کارا در مقایسه با انتخاب‌های فردی، که مقیاسی از کیفیت نهادی هستند، اثر قابل توجهی بر روی رشد اقتصادی دارد.

تحقیقات اشاره شده در این بخش، مطالعات اصلی انجام گرفته در این حوزه‌اند و مقاله حاضر نسبت به مقالات مذکور و تحقیقات دیگر موجود در این زمینه، تفاوت‌هایی در زمینه نوع شاخص‌های مورد استفاده، نمونه کشورهای مورد بررسی و شیوه آزمون دارد. روش اقتصادسنجی اکثر تحقیقات انجام گرفته در این زمینه، به شیوه رگرسیونی حداقل مربعات دو مرحله‌ای (2SLS) است. استفاده از این روش محدودیت‌هایی دارد؛ زیرا لازمه کاربرد این روش، تعیین متغیر ابزاری مناسب برای حل مشکل درونزا بودن بین شاخص‌های نهادی و رشد اقتصادی است، اما روش اقتصادسنجی مقاله حاضر روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) داده‌های تابلویی است که مشکل درونزا بودن شاخص‌ها با استفاده از وقفه خود متغیرها رفع می‌شود.

مدل، روش برآورد و نتایج برآوردها

چالش‌های اندازه‌گیری متغیرهای کیفیت نهادی

آزمون تجربی تأثیرگذاری نهادها بر رشد و توسعه و عملکرد اقتصادی با مشکلاتی روبروست.

1- De Vaal & Ebben

2- Sobhee

از جمله مسایل مهم در این خصوص، معرفی شاخص مناسب برای اندازه‌گیری کیفیت نهادهاست. سری داده‌های مربوط به بررسی کیفیت نهادی، بیشتر بر پایه تحقیق و مطالعه هستند و در نتیجه، دریافت‌ها و برداشت‌ها را منعکس می‌کنند و منعکس‌کننده مقیاس‌های واقعی و خارجی نیستند (ساویر، ۲۰۱۰). در این شرایط، تفسیر نتایج رشد، با استفاده از مقیاس‌ها و شاخص‌های نهادی، موضوع ساده‌ای نیست. اول این‌که، فرایند یکپارچه‌سازی نهادها و تغییرات سازمانی در نظریه اقتصادی مبحث نسبتاً جدیدی است و ادبیات رشد، تعریف فراگیری از نهادهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، فرآیند تغییرات‌شان و فرایندهایی که به احتمال زیاد از آن طریق بر نتایج اقتصادی تأثیر می‌گذارند، ارائه نمی‌دهد و محققان اغلب به تعدادی از این شاخص‌ها برای در نظر گرفتن ویژگی‌های نهادی تکیه می‌کنند. گرچه هر کدام از این موارد تأثیرات بالقوه متفاوتی بر رشد دارند. دوم این‌که، ادبیات رشد با طیف وسیعی از مشکلات جدی در مورد داده‌ها، روش‌شناسی و شناسایی مشکلات تخمین در این سری از داده‌ها مواجه هستند که اکثر محققان آنها را نادیده می‌گیرند (آرون، ۲۰۰۰) و مشکل اصلی برای بلندمدت نیز نبود داده است که برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه، تفسیر تأثیر متقابل سیاست کشورها بر همدیگر را مانع می‌شود.

روش اقتصادسنجی و معرفی الگو

در بیشتر تحقیقات انجام گرفته در حوزه کیفیت نهادی و رشد اقتصادی، از روش 2SLS استفاده شده است که لازمه استفاده از این روش یافتن متغیر ابزاری مناسب برای رفع مشکل درونزا بودن شاخص‌های نهادی است. اما این روش با محدودیت‌هایی چون دشوار بودن یافتن متغیرهای ابزاری مناسب و محدود بودن این متغیرها روبروست. همچنین این روش نمی‌تواند همبستگی بین متغیرهای توضیحی را حل کنند و هم‌خطی را کاهش دهد یا از بین ببرد (ندیری و محمدی، ۱۳۹۰). روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) داده‌های

تابلویی پویا از جمله روش‌های مناسب اقتصادسنجی برای حل یا کاهش مشکل درون‌زا بودن شاخص‌های نهادی است.

یک مدل ساده خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی به شکل زیر نشان داده می‌شود:

$$y_{it} = \alpha y_{i,t-1} + \beta X_{it} + \mu_i + \varepsilon_{it} \quad \begin{matrix} i = 1, 2, \dots, N \\ t = 2, 3, \dots, T \end{matrix} \quad (1)$$

y_{it} متغیر وابسته، X_{it} بردار متغیرهای توضیحی، μ_i آثار انفرادی یا ثابت کشورها، ε_{it} نیز جزء اخلاط معادله و i و t به ترتیب نشانگر کشور و دوره زمانی است. اگر همانند مدل (۱)، متغیر وابسته با مقادیر، با وقفه وارد مدل شود، سبب خواهد شد که بین متغیرهای توضیحی (رگرورها) و جملات اخلاط، همبستگی به وجود آید و در نتیجه استفاده از روش حداقل مربعات معمولی، نتایج تورشدار و ناسازگاری را نشان خواهد داد. μ_i منبع ناسازگاری تخمین‌زن‌هاست که یکی از روش‌های مناسب برای حذف آثار ثابت و انفرادی کشورها استفاده از روش تفاضل‌گیری مرتبه اول خواهد بود. از آنجایی که میانگین μ_i با خودش برابر است، در نتیجه تفاضل‌گیری از معادله حذف می‌شود و منبع ناسازگاری تخمین‌زن‌های OLS حذف خواهند شد. پس از تفاضل‌گیری مرتبه اول از مدل (۱) خواهیم داشت:

$$\Delta y_{it} = \alpha \Delta y_{i,t-1} + \beta \Delta X_{it} + \Delta \varepsilon_{it} \quad (2)$$

اما تفاضل‌گیری از معادله اولیه، همبستگی غیرقابل اغماضی را بین وقفه متغیر وابسته و جزو خطای تبدیل شده، فراهم می‌آورد (باند، ۲۰۰۲). از این رو لازم است برای برطرف کردن این مشکل از متغیرهای ابزاری در مدل استفاده شود. بنابراین، گشتاورها برای مدل (۲) به صورت زیر تعریف خواهد شد:

$$E(y_{it-s} \Delta \varepsilon_{it}) = 0 \quad s \geq 2; t = 3, 4, \dots, T \quad (۳)$$

$$E(X_{it-s} \Delta \varepsilon_{it}) = 0 \quad s \geq 2; t = 3, 4, \dots, T \quad (۴)$$

برای برآورد پارامترها نیز از متغیرهای ابزار به صورت زیر استفاده می‌شود:

$$Z_i = \text{diag}(y_{i1}, y_{i2}, \dots, y_{it-2}, X_{i1}, X_{i2}, \dots, X_{it-2}) \quad (۵)$$

بنابراین برآوردگرهای روش گشتاورهای تعمیم‌یافته که با $\hat{\delta}$ نمایش داده می‌شود به

صورت زیر تعریف می‌شود:

$$\hat{\delta} = (Z'AZ_N Z' B)^{-1} Z'AZ_N Z' Y \quad (۶)$$

پس از برآورد ضرایب، لازم است اعتبار متغیرهای ابزار از طریق آماره آزمون سارگان بررسی شود. آماره این آزمون به صورت مجانبی دارای توزیع χ^2 با درجه آزادی برابر با تعداد محدودیت‌های بیش از حد مشخص است. فرضیه صفر همبسته بودن پسماندها با متغیرهای ابزاری است که در صورت رد شدن فرضیه صفر، اعتبار متغیرهای ابزاری به کار گرفته شده تأیید می‌شود. همچنین برای تشخیص این که همبستگی سریالی در جزو اخلاصها وجود ندارد، آزمون نبود همبستگی سریالی از مرتبه دوم، بر روی باقیمانده‌های معادله دیفرانسیل از مرتبه اول صورت می‌گیرد؛ زیرا روش تفاضل‌گیری مرتبه اول، برای حذف آثار ثابت در صورتی روش مناسبی است که مرتبه خودهمبستگی جملات اخلاص، از مرتبه دو نباشد (آرلانو و باند، ۱۹۹۱).

به کار بردن روش GMM داده‌های تابلویی پویا، مزیت‌هایی همانند لحاظ نمودن ناهمسانی‌های فردی و اطلاعات بیشتر، حذف تورش‌های موجود در رگرسیون‌های مقطعی را داراست که نتیجه آن تخمین‌های دقیق‌تر، با کارایی بالاتر و هم‌خطی کمتر به‌واسطه استفاده از وقفه متغیر وابسته در GMM خواهد بود. مزیت اصلی تخمین GMM پویا آن است که تمام متغیرهای رگرسیون، که با جز اخلاص همبستگی ندارد (از جمله متغیرهای باوقفه و متغیرهای تفاضلی) می‌توانند به‌طور بالقوه متغیر ابزاری باشند و مشکل درون‌زا بودن متغیرهای نهادی حل شود (گرین^۱، ۲۰۰۸).

از مدل پویای زیر برای برآورد تأثیر نهادها و تفکیک آثار آنها بر رشد اقتصادی استفاده می‌شود:

$$\text{growth } gdp_{it} = \alpha_1 \text{growth } gdp_{it-1} + \alpha_2 K_{it} + \alpha_3 H_{it} + \alpha_4 Z_{it} + \mu_i + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

که در این مدل $\text{growth } gdp_{it}$ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه به‌عنوان متغیر وابسته است و وقفه اول این متغیر به عنوان متغیر توضیحی در مدل وارد شده است. متغیرهای کنترلی مدل، K_{it} موجودی سرمایه فیزیکی و H_{it} نیز سرمایه انسانی اولیه به ازای هر فرد است. متغیر سهم تجارت از GDP، بر طبق الگوهای مختلف مطرح در تجارت رشد درون‌زا به‌عنوان موتور رشد اقتصادی مطرح شده است. براساس آنها تجارت از طریق افزایش تنوع و کیفیت نهاده‌های واسطه‌ای، انتقال و گسترش دانش، آثار یادگیری از طریق عمل و افزایش اندازه بازار، رشد اقتصادی را تحریک می‌کند (گروسمن و هلپمن^۲، ۱۹۹۱؛ یانگ^۳، ۱۹۹۱ و رومر^۴، ۱۹۹۴). به‌دلیل اهمیت متغیر ذکر شده در بالا، که در مدل‌های تجارت به آن اشاره شده، این متغیر به‌عنوان یکی از متغیرهای مستقل وارد مدل شده است. خطوط تلفن به

1- Greene
2- Grossman & Helpman
3- Young
4- Romer

ازای هر کارگر، به‌عنوان جایگزین برای سرمایه فیزیکی و امید به زندگی در بدو تولد به عنوان متغیر معرف سرمایه انسانی در مدل به‌کار گرفته شده‌اند. خطوط تلفن به ازای هر کارگر، برطبق گزارش سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۴ یکی از اقسام سرمایه فیزیکی است و به‌دلیل در اختیار بودن داده‌های آن، نسبت به سایر سرمایه‌های فیزیکی چون جاده‌های آسفالت‌شده، راه‌آهن، ظرفیت تولید انرژی و آبیاری از این متغیر استفاده شده است (هولتن^۱، ۱۹۹۶). همچنین شاخص امید به زندگی نشان‌دهنده کیفیت زندگی و سلامت است که می‌تواند جزو مهمی از سرمایه انسانی محسوب شود. انتظار می‌رود افراد سالم با انگیزه بیشتری به فعالیت‌های اقتصادی بپردازند و در این شرایط سطح کیفیت و کمیت فعالیت‌های انجام یافته نیز بیشتر خواهد بود. همچنین افزایش امید به زندگی، به‌واسطه بهبود شرایط بهداشتی جامعه، به ارتقای انگیزه افراد در پس‌انداز بیشتر و مصرف کمتر کمک می‌کند و متعاقباً افزایش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی بالاتری را به‌دنبال می‌آورد (تاری و همکاران، ۱۳۹۲). Z_{it} نیز برداری از متغیرهای نهادی است که شامل شاخص‌های حاکمیت قانون (حاکمیت قانون، رشوه و کیفیت نظارتی^۲) و دموکراسی (دموکراسی، حقوق سیاسی^۳، آزادی‌های مدنی^۴، استبداد^۵ و نوع رژیم سیاسی^۶) است. μ_i نشان‌دهنده آثار ثابت برای هر کشور است و ε_{it} نیز جزو اخلال مدل بوده و شامل تمام تأثیرات مشاهده نشده اقتصادی است. در انتخاب متغیرهای کنترلی و متغیرهای نهادی مورد استفاده در مدل از مقاله بوتکیوکز و یانیکایا (۲۰۰۶) بهره گرفته شده است.

داده‌های مربوط به رشد تولید ناخالص داخلی سرانه، سهم تجارت از GDP، خطوط تلفن به ازای هر کارگر و میزان امید به زندگی در بدو تولد از داده‌های بانک جهانی (WDI) به دست آمده‌اند. برای به‌دست آوردن داده‌های نهادی مربوط به شاخص حاکمیت قانون

1- Hulten
 2- Regulatory Quality
 3- Political Rights
 4- Civil liberties
 5- Autocracy
 6- Political regime type

(حاکمیت قانون، رشوه و کیفیت نظارتی) و داده‌های مربوط به دموکراسی، استبداد و رژیم سیاسی از منبع Polity IV¹ استفاده شده است. داده‌های حقوق سیاسی و حقوق مدنی نیز از Freedom House² به دست آمده‌اند. داده‌های مربوط به حاکمیت قانون (حاکمیت قانون، رشوه و کیفیت نظارتی) از ۲،۵- تا ۲،۵+ رتبه‌بندی شده‌اند که مقدار بیشتر دلالت بر بالاترین درجه حاکمیت قانون و قانون‌مداری است. شاخص دموکراسی (استبداد) سطح دموکراسی را در کشورها اندازه‌گیری می‌کند که مقادیر ۰ تا ۱۰+ را به خود می‌گیرد. به طوری که مقادیر بیشتر نشان‌دهنده سطح بالاتری از دموکراسی است. مقادیر شاخص‌های حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی نیز از ۰ تا ۷+ هستند که مقادیر بالاتر، وضعیت بهتری از این شاخص‌ها را ارائه می‌دهد. برای یکسان نمودن وزن متغیرهای نهادی فوق، مقادیر همه متغیرها بین اعداد صفر و یک نرمال شده‌اند. نوع رژیم سیاسی نیز نشان می‌دهد که آیا یک کشور دارای رژیم غیرنظامی است یا خیر و یا این که آیا رژیم حاکم ترکیبی از این دو رژیم است. مقادیر این متغیر از ۱ تا ۴ متغیر است که عدد ۱ نشان‌دهنده رژیم غیرنظامی، عدد ۲ بیانگر رژیم غیرنظامی- نظامی، عدد ۳ مشخص‌کننده رژیم نظامی است و عدد ۴ نیز نشان‌دهنده سایر انواع رژیم‌ها نظیر جمهوری اسلامی ایران و افغانستان است.

نتایج برآورد مدل

روش مورد استفاده در این پژوهش برای برآورد الگو، روش گشتاورهای تعمیم‌یافته داده‌های تابلویی پویا می‌باشد. همبستگی بالایی که بین متغیرهای نهادی وجود دارد، برآورد آنها را در یک معادله رگرسیون واحد ناممکن می‌سازد. برای پرهیز از این مشکل، هر کدام از شاخص‌های نهادی در معادله‌های جداگانه‌ای وارد و برآورد می‌شوند.

نتایج حاصل از برآورد در جداول شماره ۱ و ۲ آمده است. براساس نتایج آزمون والد در تمامی مدل‌های برآوردی، فرضیه صفر مبنی بر صفر بودن تمام ضرایب در سطح معناداری

1- www.systemicpeace.org

2- www.freedomhouse.org

۱ درصد رد می‌شود. در نتیجه اعتبار ضرایب برآوردی تأیید می‌شود. آماره‌های آزمون سارگان نیز فرضیه صفر این آزمون مبنی بر همبسته بودن پسماندها با متغیرهای ابزاری را رد می‌کند و به بیان بهتر بین متغیرهای ابزاری تعریف شده و آثار ثابت یا انفرادی کشورها هیچ‌گونه همبستگی وجود ندارد و در نتیجه اعتبار نتایج جهت تفسیر تأیید می‌شود. آماره‌های آزمون همبستگی پسماندهای مرتبه اول $AR(1)$ و دوم $AR(2)$ نیز حاکی از صحت اعتبار نتایج مدل‌های آزمون شده بر اساس روش GMM است.

با توجه به نتایج حاصل از برآوردها در جداول شماره ۱ و ۲ وقفه اول متغیر رشد تولید ناخالص داخلی سرانه، دارای ضریب مثبت در برآوردها است و حکایت از اثرگذاری رشد اقتصادی در دوره پیشین بر رشد اقتصادی دوره حاضر دارد. ضرایب مربوط به متغیرهای سهم تجارت از GDP و امید به زندگی در بدو تولد و خطوط ثابت تلفن به ازای هر کارگر، که به ترتیب به‌عنوان جایگزین‌های سرمایه‌ی انسانی و فیزیکی در مدل استفاده شده‌اند، دارای علامات مثبت و معنادار بوده‌اند. بر طبق انتظارات افزایش سهم تجارت از GDP کشور سبب افزایش مبادلات اقتصادی کشورها می‌شود و رشد اقتصادی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (طیبی و همکاران، ۱۳۹۰). هم‌چنین براساس مطالعات پیشین علامت‌های مثبت و معنادار جایگزین‌های سرمایه‌های فیزیکی و انسانی نشان‌دهنده این هستند که هر چه یک کشور سطح سرمایه‌گذاری بالا و نیروی کار سالم و توانمند داشته باشد، رشد اقتصادی بالایی را نیز شاهد خواهد بود. سرمایه‌های فیزیکی و انسانی در اشکال مختلف خود، به واسطه کانال‌های مختلف و به‌صورت‌های مستقیم و غیرمستقیم رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. من جمله بالا رفتن کارایی نیروی کار از مجاری مختلف، سوددهی سرمایه جذب شده را بالا می‌برد و باعث تسریع رشد اقتصادی می‌شود (عیسی‌زاده و احمدزاده، ۱۳۸۸).

نتایج حاصل از برآورد مدل، برای شاخص‌های کیفیت نهادی حاکمیت قانون در جدول شماره ۱ گزارش شده‌اند. ضریب به‌دست آمده برای شاخص حاکمیت قانون، مطابق انتظار

مثبت و معنادار است و نشان می‌دهد که وقتی قوانینی عام بر جامعه حاکم باشد و رفتاری بی‌طرفانه با همه صورت گیرد، پیش‌بینی‌پذیری اوضاع بیشتر و حقوق مالکیت محترم شمرده می‌شود. در چنین جامعه‌ای شفافیت قوانین حاکم، ثبات و پایداری قوانین و استقلال قضایی برقرار می‌شود و با وجود چنین محیط نهادی مناسب و مطمئن، تخصیص منابع خصوصی و عمومی به فعالیت‌های مولد کارآمد می‌گردد و هزینه معاملات و ریسک سرمایه‌گذاری پایین می‌آید و تسریع در رشد اقتصادی نتیجه می‌شود.

شاخص رشوه، دارای ضریب منفی و معنادار در مدل است و حکایت از این دارد که رشوه به ادارات، سلب حق مالکیت از عده‌ای را به همراه داشته و به شکل‌گیری بوروکراسی سنگین در ادارات و کل اقتصاد منجر می‌شود. همین مسئله باعث بالا رفتن هزینه سرمایه‌گذاری می‌شود و در نهایت به تضعیف رشد اقتصادی می‌انجامد. در واقع سطح بالای رشوه باعث انحراف بازارها و تخصیص منابع می‌گردد و به کاهش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی منجر می‌شود.

کیفیت نظارتی، یکی دیگر از شاخص‌های حاکمیت قانونی است که را بر روی رشد اقتصادی اثر مثبت و معناداری دارد. در واقع هرچه ابزارهای نظارتی و کنترلی دقیق فراهم و کیفیت نظارتی بالا باشد، میزان فساد و هزینه‌های تولید کاهش می‌یابد و در پی آن افزایش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی حاصل می‌شود.

در جدول شماره ۲ نتایج حاصل از برآورد مدل، برای شاخص‌های کیفیت نهادی دموکراسی گزارش می‌شوند. در این تخمین، شاخص دموکراسی دارای ضریب مثبت و معنادار در مدل است. ضریب مثبت این متغیر، به این معنی است که با برقراری دموکراسی، حقوق سیاسی تقویت و به برقراری محدودیت‌هایی بر قدرت مطلقه دیکتاتور منجر می‌شود و افزایش رشد اقتصادی را نتیجه می‌دهد. دموکراسی زمینه‌ساز غالب تغییرات سامان‌یافته و بسیج نیروها و امکانات یک جامعه برای نوسازی و توسعه اقتصادی می‌شود و با بهبود

ساختار اقتصادی، افزایش سرمایه‌گذاری خصوصی به‌ویژه سرمایه‌گذاری بر روی نیروی انسانی، بهبود توزیع درآمد و کاهش فشارهای تورمی موجب افزایش رشد و توسعه اقتصاد می‌گردد.

جدول شماره ۱ نتایج حاصل از برآورد مدل برای شاخص‌های کیفیت نهادی حاکمیت قانون

متغیرها	مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳
وقفه اول رشد تولید ناخالص داخلی سرانه	۰/۱۹۲۴۳۸۴ (۰/۰۰۰)	۰/۲۹۶۱۴۳۱ (۰/۰۰۰)	۰/۳۰۷۲۹۴۱ (۰/۰۰۰)
امید به زندگی در بدو تولد	۰/۴۶۴۲۳۹۲ (۰/۰۷۹)	۰/۶۳۴۱۷۶ (۰/۰۰۵)	۰/۵۳۸۳۳۷۱ (۰/۰۰۰)
سهم تجارت از GDP	۰/۱۲۸۷۶۸۲ (۰/۰۰۰)	۰/۰۴۸۹۸۴۶ (۰/۰۰۰)	۰/۱۳۹۹۰۳۷ (۰/۰۰۰)
خطوط تلفن به ازای هر کارگر	۰/۱۸۲۷۹۸۶ (۰/۰۱۱)	۰/۳۱۳۳۰۹۷ (۰/۰۰۰)	۰/۲۰۸۵۱۴۱ (۰/۰۰۰)
حاکمیت قانون	۲۰/۶۶۵۶۸ (۰/۰۰۰)	-	-
رشوه	-	-۷/۷۸۱۱۰۵ (۰/۰۹۲)	-
کیفیت نظارتی	-	-	۱۱/۲۰۹۹۲ (۰/۰۲۶)
عرض از مبدأ	-۴۸/۰۴۶۶۷ (۰/۰۰۴)	-۴۳/۷۹۱۸۸ (۰/۰۰۲)	-۵۰/۳۷۹۰۷ (۰/۰۰۰)
متغیرهای مجازی	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)
آماره آزمون والد	۱۳۱۱/۱۲ (۰/۰۰۰۰)	۳۱۷۷/۹۲ (۰/۰۰۰۰)	۶۱۸۵/۳۴ (۰/۰۰۰۰)
آماره آزمون سارگان	۳۹/۰۱۲۵۹ (۱/۰۰۰۰)	۴۱/۳۶۷۶۶ (۰/۹۷۴۶)	۳۹/۴۵۹۱۲ (۰/۹۹۶۱)
AR(1)	-۲/۹۴۲۹ (۰/۰۰۳۳)	-۳/۴۳۵۶ (۰/۰۰۰۶)	-۳/۳۰۶۵ (۰/۰۰۰۹)
AR(2)	-۱/۲۵۰۲ (۰/۲۱۱۲)	-۰/۸۵۰۳۱ (۰/۳۹۵۲)	-۱/۰۳۹۵ (۰/۲۹۸۶)

منبع: یافته‌های تحقیق، اعداد داخل پرانتز مقدار احتمال آماره Z و آماره‌های مربوطه می‌باشند.

متغیرهای حقوق سیاسی، استبداد و نوع رژیم سیاسی هرچند معنادار نیستند ولی ضریب این متغیرها دارای علامات مورد انتظار تئوریک هستند. کانال تأثیرگذاری این متغیرها بر روی رشد اقتصادی، از طریق سرمایه‌گذاری است. در کشورهایی که استبداد بالاست، انگیزه افراد برای سرمایه‌گذاری به دلیل محیط ناامن سیاسی و اقتصادی پایین است و در چنین شرایطی سرمایه‌گذارها سعی بر انتقال سرمایه خود به جاهای امن داشته و با کاهش میزان سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی نیز کاهش می‌یابد. هم‌چنین درجه نابرابری درآمدی از انتخاب‌های اجتماعی ناشی می‌شود که توسط رژیم سیاسی متأثر شده است. در واقع در جوامع مستبد به ترجیحات افراد فقیر وزن بالایی داده نمی‌شود و عدم توزیع بهینه درآمد، به ضعف در عملکرد اقتصادی و رشد اقتصادی منجر می‌شود.

متغیر آزادی‌های مدنی نیز از علامت مثبت و معناداری برخوردار است و حکایت از این دارد که با برقراری آزادی‌های مدنی قوی‌تر در جامعه، افراد نسبت به قوانین حاکم بر جامعه اطمینان بیشتری می‌کنند و فضای کسب و کار هم مطمئن‌تر و سالم‌تر می‌شود. در این فضای امن، اطمینان و تمایل به سرمایه‌گذاری بیشتر می‌گردد و با افزایش میزان سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی نیز بهبود می‌یابد.

جدول شماره ۲ نتایج حاصل از برآورد مدل برای شاخص‌های کیفیت نهادی دموکراسی

متغیرها	مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳	مدل ۴	مدل ۵
وقفه اول رشد تولید	۰/۲۴۰۵۶۸۸	۰/۳۱۵۷۱۸۳	۰/۳۳۶۲۹۹۸	۰/۲۶۷۲۰۰۵	۰/۲۷۳۶۰۷۴
ناخالص داخلی سرانه	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)
امید به زندگی در بدو تولد	۰/۲۱۵۴۱۸۷	۰/۴۴۵۱۰۳۷	۰/۲۹۷۵۳۷	۰/۹۰۹۰۱۲۲	۰/۹۲۰۷۶۳۸
سهم تجارت از GDP	(۰/۰۷۱)	(۰/۰۱۹)	(۰/۰۶۶)	(۰/۰۱۸)	(۰/۰۰۵)
خطوط تلفن به ازای هر کارگر	۰/۱۱۰۸۳۱	۰/۰۶۸۸۴۵۵	۰/۰۳۲۷۵۳۴	۰/۱۹۳۸۲	۰/۱۱۵۴۳۱۶
دموکراسی	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)
	۰/۲۸۶۲۲۴۴	۰/۱۹۲۶۵۸۸	۰/۲۰۸۳۴۲۵	۰/۱۷۱۶۹۱۸	۰/۲۱۶۴۴۵۱
	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۱۲)	(۰/۰۰۰)
	۰/۴۵۳۰۳۹۹	-	-	-	-

	(۰/۰۰۹)				
حقوق سیاسی	-	۰/۹۸۱۹۱۱۱ (۰/۶۷۲)		-	-
آزادی‌های مدنی	-	-	۵/۳۴۲۰۰۶ (۰/۰۰۹)	-	-
استبداد	-	-	-	-۰/۱۸۸۷۲۵۴ (۰/۱۳۱)	-
نوع رژیم سیاسی	-	-	-	-	۰/۳۳۱۷۹۴۳ (۰/۶۳۸)
عرض از مبدأ	-	-۳۵/۵۱۹۳۵ (۰/۰۰۲)	-	-	-۶۸/۰۲۵۳۸ (۰/۰۰۱)
متغیرهای مجازی	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)
آماره آزمون والد	۶۷۱۴/۷۶	۹۱۷۰/۱۸	۲۲۳۳۸/۲۹	۸۷۲۰/۷۹	۴۹۵۲/۴۱
	(۰/۰۰۰۰)	(۰/۰۰۰۰)	(۰/۰۰۰۰)	(۰/۰۰۰۰)	(۰/۰۰۰۰)
آماره آزمون سارگان	۴۴/۳۵۱۲	۴۴/۲۰۷۴۵	۴۱/۹۱۴۴۶	۳۷/۱۳۵۶۱	۳۸/۷۷۲۵۸
	(۱/۰۰۰۰)	(۰/۷۹۹۷)	(۰/۶۸۲۷)	(۰/۹۹۸۹)	(۰/۹۹۷۰)
AR(1)	-۳/۳۳۲۶	-۳/۴۰۷۶	-۳/۴۱۹۸	-۳/۳۹۱۲	-۳/۴۸۶۷
	(۰/۰۰۰۹)	(۰/۰۰۰۷)	(۰/۰۰۰۶)	(۰/۰۰۰۷)	(۰/۰۰۰۵)
AR(2)	-۱/۱۶۶۷	-۰/۶۲۹۰۱	-۰/۸۱۷۲۲	-۱/۱۲۹۵	-۱/۰۷۰۵
	(۰/۲۴۳۳)	(۰/۵۲۹۳)	(۰/۴۱۳۵)	(۰/۲۵۸۷)	(۰/۲۸۴۴)

منبع: یافته‌های تحقیق

اعداد داخل پرانتز مقدار احتمال آماره Z و آماره‌های مربوط هستند.

نتیجه‌گیری

در نظریه‌های مختلف رشد اقتصادی، تجمع سرمایه فیزیکی و انسانی به‌عنوان مهم‌ترین عامل رشد اقتصادی بیان شده بودند، ولی شکاف در عملکرد اقتصادی کشورهای مختلف حکایت از وجود عواملی داشت که در این زمینه نادیده انگاشته شده بودند. همین اختلاف در رشد و رفاه اقتصادی کشورها، آن را به یکی از مهم‌ترین سوالات و چالش‌های علم اقتصاد بدل کرد و در ادبیات جدید رشد، نهادها به‌عنوان عامل اصلی این تفاوت بیان شدند. در این

مقاله، رابطه کیفیت نهادی و رشد اقتصادی برای گروه کشورهای اسلامی با استفاده از دو شاخص اصلی دموکراسی و حاکمیت قانون بررسی شد. روش مورد استفاده برای مطالعه، روش گشتاورهای تعمیم‌یافته داده‌های تابلویی پویا در طی دوره زمانی سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۲ بوده است.

نتایج به دست آمده حاکی از اثر مثبت و معنادار حاکمیت قانون بر روی رشد اقتصادی است و نشان می‌دهد که با حاکمیت قانون، یعنی در صورت وجود قانونگذاری قوی و کارآمد، استقلال قضایی، حفظ حق مالکیت افراد و موارد دیگر، سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مولد اقتصادی رونق و افزایش می‌یابد و به رشد اقتصادی منجر می‌شود. شاخص‌های رشوه و کیفیت نظارتی نیز، که به‌عنوان شاخص‌های دیگر برای حاکمیت قانونی تعریف شده‌اند، به ترتیب دارای آثار منفی و مثبت بر رشد هستند. یعنی با افزایش کیفیت نظارتی بر اجرای قوانین، ممانعت از اجرای فعالیت‌های ضد تولیدی نظیر فساد و رشوه به عمل می‌آید و زمینه بهبود عملکرد و رشد اقتصادی فراهم می‌شود.

دموکراسی به‌عنوان شاخص نهادی دیگر دارای اثر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی است. اثر مثبت دموکراسی بر روی رشد اقتصادی می‌تواند ناشی از برقراری سیاست‌های مردمی و تحریک به توزیع مجدد درآمد از ثروتمندان به فقرا تعبیر شود که از این رو به تقویت فعالیت‌های اقتصادی منجر می‌شود. سایر شاخص‌های مورد استفاده چون متغیرهای حقوق سیاسی، استبداد و نوع رژیم سیاسی هرچند معنادار نیستند ولی دارای علامت مورد انتظارند. بهبود در هر یک از این شاخص‌ها به بهبود فضای سیاسی و اقتصادی منجر می‌شود و شرایط را برای جذب سرمایه‌گذاری و افزایش رشد اقتصادی فراهم می‌آورد. ضریب مثبت و معنادار شاخص آزادی‌های مدنی نیز اشاره به این مطلب دارد. با اطمینان بیشتر به فضای کسب و کار و قوانین حاکم بر آن، سرمایه‌گذاری تشویق و بستر رشد اقتصادی فراهم می‌شود.

پس از بررسی اهمیت شاخص‌های مختلف نهادی بر رشد اقتصادی، می‌توان به این نتیجه دست یافت که نهادها یکی از عوامل اصلی تأثیرگذار بر روی رشد اقتصادی‌اند و

استقرار حکومت قانون و دموکراسی به پیش شرط توسعه اقتصادی پایدار تبدیل شده است. یعنی عملکرد اقتصادی هم، در مرحله تدوین و تکوین سیاست‌های اقتصادی و هم، در مرحله اجرا، به ماهیت و کیفیت ساختار سیاسی و نهادی کشورها وابسته است. این مسئله نشان می‌دهد که کشورهای جهان در صورتی که خواستار ایجاد تغییرات جدی در روند رشد اقتصادی خود هستند، لازم است به اصلاحات نهادی در بخش‌های مختلف بپردازند. با بررسی جزئی‌تر شاخص‌های مورد بررسی، نهادهایی که باعث برقراری قانون و مقررات کارا می‌شوند (حاکمیت قانون و زیرشاخص‌های مربوطه) نسبت به نهادهای دموکراتیک (دموکراسی و زیرشاخص‌های آن) از اهمیت بیشتری برخوردار هستند. بدین روی ضروری است به منظور تسهیل فعالیت‌های اقتصادی و نیل به پیشرفت اقتصادی، سیاست‌گذاران کشورهای مورد مطالعه، نگرشی همزمان به اقتصاد و سیاست داشته باشند و با پیش‌فرض این‌که، این دو عامل همدیگر را تقویت می‌کنند و بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت دارند، به سیاست‌گذاری بپردازند. همچنین در زمینه اصلاحات نهادی نیز، طی حرکت به سمت دموکراسی و ساختن نهادهای سیاسی از نهادهای حاکمیت قانونی غفلت نشود و در راستای تدوین قوانین متناسب با واقعیات آن کشور تلاش جدی شود.

منابع

- تار، فتح‌اله؛ شیرجیان، محمد؛ مهرآرا، محسن و حسین امیری (۱۳۹۲) هزینه‌های بهداشتی خصوصی عمومی آثار آن بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب در بلندمدت: رویکرد میانگین‌گیری مدل بیزینی (BMA)، *فصلنامه علمی، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*. سال ۳، شماره ۱۰، صص ۱۰۶-۹۳.
- جعفری صمیمی، احمد و حمید آذرمنند (۱۳۸۳) بررسی تأثیر متغیرهای نهادی بر رشد اقتصادی در کشورهای جهان (با تأکید بر اقتصاد ایران)، *پژوهشنامه بازرگانی*. دوره ۱۰، شماره ۳۷، صص ۶۲-۴۱.
- طیبی، سیدکمیل؛ حاجی‌کرمی، مرضیه و هما سریری (۱۳۹۰) تحلیل درجه باز بودن مالی و تجاری روی توسعه مالی ایران و شرکای تجاری (۲۰۰۹-۱۹۹۶)، *فصلنامه تحقیقات اقتصادی راه اندیشه*. دوره ۱، شماره ۴، صص ۶۰-۳۹.
- عیسی‌زاده، سعید و اکبر احمدزاده (۱۳۸۸) بررسی اثر عوامل نهادی بر رشد اقتصادی با تأکید بر نهادهای حاکمیتی (مطالعه بین‌موردی کشوری برای دوره ۲۰۰۵-۱۹۹۶)، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*. سال سیزدهم، شماره ۴۰، صص ۲۸-۱.
- مهرآرا، محسن و علیرضا کیخا (۱۳۸۷) نهادها، نفت و رشد اقتصادی در کشورهای متکی به نفت طی دوره ۲۰۰۵-۱۹۷۵: روش پانل هم‌انباشتگی، *فصلنامه اقتصاد مقداری*. (بررسی‌های اقتصادی سابق)، دوره ۵، شماره ۴، صص ۷۹-۵۵.
- Acemoglu, D., S. Johnson, & J. Robinson (2001) The colonial origins of comparative development: An empirical investigation. *American Economic Review*, 91(5), 1369-1401.
- Aidt, T., Dutta, J., & Sena, V. (2008) Governance regimes, corruption and growth: Theory and evidence, *Journal of Comparative Economics*, 36, 195-220.
- Arellano, M., & Bond, S. (1991) Some tests of specification in panel data: MonteCarlo evidence and an application to employment equations. *Review of Economics and Statistics*, 58(2), 277-297.
- Aron, Janine (2000) Growth and Institutional: A Review of the Evidence. *The World Bank Research Observer*, 15, 99-135.

-
- Assane, D., & Grammy, A. (2003) Institutional framework and economic development: International evidence. *Applied Economics*, 35, 1811-1817.
 - Bardhan, P. (1997) Corruption and development: a review of issues. *Journal of Economic Literature*, 35 (9), 1320-1346.
 - Barro, R. (1991) Economic growth in a cross section of countries. *Quarterly Journal of Economics*, 106, 407-33.
 - Barro, R.J. (1997) *Determinants of Economic Growth: a Cross-Country Empirical Study*. MIT Press, Cambridge and London.
 - Barzel, Y. (2005) *A Theory of the State*. Cambridge: Cambridge University Press.
 - Berggren, N., Elinder, M., & Jordahl, H. (2009) Trust and growth: a shaky relationship. *Empirical Economics*, 35(2), 251-274.
 - Bond, S. (2002) *Dynamic Panel Data Models: A Guide to Micro Data Methods and Practice*. Cemmap Working Paper Series No.CWP09/02, The Institute for Fiscal Studies Department of Economics, UCL.
 - Butkiewicz, J.L., & Yanikkaya, H. (2006) Institutional quality and economic growth: Maintenance of the rule of law or democratic institutions, or both?. *Economic Modelling*, 23, 648-661.
 - De Vaal, A., & Ebben, W. (2011) Institutions and the Relation between Corruption and Economic Growth. *Review of Development Economics*, 15(1), 108-123.
 - Dollar, D., & Kraay, A. (2000) *Property Rights, Political Rights, and the Development of Poor Countries in the Post, Colonial Period*. World Bank Working Papers.
 - Easterly, W., & Levine, R. (2003) Tropics, germs, and crops: how endowments influence economic development. *Journal of Monetary Economics*, 50(1), 3-39.
 - Fosu, A.K. (2001) Political Instability and Economic Growth in Developing Economics: Some Specification empirics. *Economics Letters*, 7 (2), 289-294.

- Greene, W.H. (2008) *Econometric analysis*, sixth edition. New Jersey, UpperSaddle River: Pearson International.
- Grossman, G.M. & Helpman, E. (1991) *Innovation and Growth in the Global Economy*. Cambridge, Mass: MIT Press.
- Hall, R., & Jones, C. (1999). Why do some countries produce so much more output per worker than others?, *Quarterly Journal of Economics*, 114 (1), 83-116.
- Hulten, C. (1996) Infrastructure Effectiveness as a Determinant of Economic Growth: How Well You Use it May Be More Important than How Much You Have. *NBER Working Paper*, 5847.
- Knack, S., Keefer, P. (1995) Institutions and economic performance: cross-country tests using alternative institutional measures. *Economics and Politics*, 7, 207-227.
- Mauro, P. (1995) Corruption and Growth. *Quarterly Journal of Economics*, 110, 681- 712.
- Méndez, F., Sepúlveda, F. (2006) Corruption, growth and political regimes: Cross-country evidence. *European Journal of Political Economy*, 22 (1), 82-98.
- North, D. (1990) *Institutions, Institutional Change and Economic Performance*. Cambridge University Press, Cambridge.
- Przeworski, A., & Limongi, F. (1993) Political regimes and economic growth. *Journal of Economic Perspectives*, 7, 51-69.
- Romer, P.M. (1994) New Goods, Old Theory, and the Welfare Costs of Trade Restrictions. *Journal of Development Economics*, 43, 5-38.
- Rodrik, D. (2000) Institutions for high-quality growth: what they are and how to acquire them. *Studies in Comparative International Development*, 35, 3-31.
- Rodrik, D. (2002) *Institutions Rule: The Primacy of Institutions over Geography and Integration in Economic Development*. NBER Working Paper 9305, *National Bureau of Economic Research*, October.
- Rodrik, D. (2005) Growth strategies. *Handbook of Economic Growth*, 1 (1), 967-1014.

-
- Rodrik, D., Subramanian, A., & Trebbi, F. (2004) Institutions rule: The primacy of institutions over geography and integration in economic development. *Journal of Economic Growth*, 9, 131–165.
 - Sawyer, W.C. (2010) Institutional Quality and Economic Growth in Latin America. *Global Economy Journal*, 10(4), Article 2, 1-13.
 - Sharma, S.D. (2007) Democracy, Good Governance, and Economic Development. *Taiwan Journal of Democracy*, 3(1), 29-62.
 - Shirley, M. (2008) *Institutions and development*. Edward Elgar Publishing.
 - Sobhee, S.K. (2012) *Quality of Institutions and Economic Growth in Developing Economies*. Available at http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2176542
 - Tanzi, V. (1998) Corruption around the World Causes, Consequences, Scope, and Cures. *IMF Staff Papers*, 45(4), 559-594.
 - Williams, A. (2006) *The Link between Institutional Quality and Economic Growth: Evidence from a Panel of Countries*. School of Economics and Commerce University of Western Australia, This thesis is presented for the degree of Doctor of Philosophy of the University of Western Australia.
 - Young, A. (1991) Learning by Doing and the Dynamic effects of International Trade. *Quarterly Journal of Economics*, 106, 369- 405.